

هو السميع المجيب

متن كامل مناجات شعبانيه

به همراه ترجمه فارسی و فایل صوتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بارالها، بر محمد و آل محمد درود فرست

وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ

و دعای مرا بشنو چون تو را بخوانم و ندای مرا بشنو آن گاه که تو را صدا زدم

وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ

و به من توجه فرما آن گاه که با تو نجوا کنم چرا که من به سوی تو گریخته‌ام

وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ

و در پیشگاه تو ایستاده‌ام درحالی که به درگاہت ذلیلانه زاری و تضرع می‌کنم

رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تُوَابِي وَتَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي

و در حالی که به پاداش خیری که نزد توست امید دارم و از دلم آگاهی

وَتَخْبِرُ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ

و از حاجتم باخبری و نهانم را می‌دانی و امر بازگشت به آخرت و منزلگاه ابدی‌ام بر تو پوشیده نیست

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَبْدِيَءَ بِهِ مِنْ مَنَاطِقِي وَأَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي

و آنچه را می‌خواهم به زبان آرم از تو مخفی نیست و آنچه را می‌خواهم از خواهش خویش بازگو کنم،

از تو پنهان نیست

وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي

و آنچه را برای حسن عاقبتم به تو امید بسته‌ام، بر تو پوشیده نیست؛ چراکه — ای سرور من — حکم

تقدیر از سوی تو، درباره آنچه از من تا آخر عمرم سر می‌زند، بر من جاری شده است

مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي وَبَيْدِكَ لَا بَيْدَ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنَفْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي

در هر آنچه در نهان و آشکار از من سر می‌زند و همه فزونی و کاستی، و سود و زیان من، تنها به دست

توست، نه غیر تو

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي؟

معبود من، اگر مرا محروم کنی، پس چه کسی مرا روزی دهد؟

وَ إِنْ خَدَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي

و اگر مرا واگذاری و یاری‌ام نکنی، پس چه کسی یاریام دهد؟

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ

الهی، از غضبت و فرود آمدن خشمت، به تو پناه می‌برم

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

خدایا! اگر من لایق رحمت تو نیستم، اما تو سزاواری که بر من، با فراوانی فضلت بخشش کنی

إِلَهِي كَاتِي بِنَفْسِي وَاقِفَةً بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظْلَمَ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

معبود من! گویا خود را می بینم که اکنون در پیشگاهت ایستاده‌ام، در حالی که حُسن اعتمادم به تو، بر

وجودم سایه لطف انداخته

فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ

پس تو آنچه را شایسته آنی با من به جا آوردی و مرا با عفو خویش در بر گرفتی

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ؟

معبودم، اگر عفو کنی، کیست که از تو سزاوارتر به عفو باشد؟!

وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي

و اگر اجل من نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده باشد

فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِفْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي

پس همانا اعترافم به گناه را وسیله خویش به سوی بارگاہت قرار دادم

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تُعْفِرْ لَهَا

خدای من، من در توجه به نفس خویش بر خود ستم نموده‌ام، پس وای بر من اگر مرا نیامرزی!

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرِّكَ عَلَيَّ فِي مَمَاتِي

الهی، همچنان که نیکی ات بر من در تمام مدت زندگی پیوسته بود، پس از مرگ نیز نیکی خویش را از

من قطع مکن

إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي

پروردگارا، چگونه از حسن تو جهت پس از مرگ ناامید شوم؟ حال آنکه در تمام عمر جز به خوبی با من

رفتار نمودی!

إِلَهِي تَوَلَّى مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ عَمَرَهُ جَهْلُهُ

خداوندا، امر مرا برعهده گیر چنان که شایسته توست و با فضل و کرم خویش بر من ترحم نما، بر

گنهکاری که در جهل خود فرو رفته است

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَى

پروردگار من، در این دنیا گناهانی را از من پوشانیدی، و حال آنکه به پوشاندن آنها از سوی تو در

آخرت محتاج ترم

إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

الهی، به من لطف و احسان نمودی که گناهانم را برای هیچ یک از بندگان صالحت آشکار نمودی

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

پس در روز قیامت نیز در حضور همگان مرا رسوا مفرما

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي

خدایا، جود و بخشش تو امید مرا زیاد نموده، و عفو تو از عمل من برتر و والاتر است

إِلَهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ

پس خدای من، در آن روز که بین بندگانت داوری می کنی، مرا با لقای خود شاد گردان

إِلَهِي اعْتَذِرِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ قَبُولِ عَذْرِهِ

معبودا، عذرخواهی من از تو، عذرخواهی کسی است که به قبول عذرش سخت نیازمند است

فَأَقْبَلْ عَذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

پس عذرم را بپذیر! ای کریم ترین کسی که بدکاران از او پوزش طلبیده اند!

إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَلَا تُحَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي

بارالها، حاجتم را رد مکن و چشم طمع مرا نومید مساز، و امید و آرزویم را از خود قطع مفرما

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي

معبود من، اگر خواری مرا می خواستی، هدایت نمی کردی؛ و اگر رسوایی ام را می خواستی به من عافیت

نمی بخشیدی

إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلَبِهَا مِنْكَ

خدایا، این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی که عمرم را در پی آن سپری کردم، ناامید کنی!

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا

پس خدای من، ستایش و سپاس مخصوص توست، ستایشی ابدی و همیشگی، و دائمی و سرمدی

يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

ستایشی که فزونی یابد و فنا نپذیرد، آن گونه که دوست داری و می پسندی

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتَنِكَ بِعَفْوِكَ وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتَنِكَ بِمَغْفِرَتِكَ

بارالها، اگر بنا بر جرمم با من تعامل کنی، من با عفوَت به تو روی آورم، و اگر بر گناهم مرا مؤاخذه کنی،

من به آمرزشت بنگرم

وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أَحِبُّكَ

و اگر مرا به دوزخ اندازی، به اهل جهنم اعلام خواهم کرد که من تو را دوست دارم!

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغْرٌ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي

خداوندا، اگر برای طاعت تو، عملم اندک است، اما در کنار امید به تو، آرزویم بزرگ است

إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا؟

الهی، چگونه از درگاه لطف تو نومید و محروم بازگردم؟ و حال آنکه به جود و بخشش تو خوش گمانم

که مرا نجات یافته و بخشوده از درگاه لطفت بازگردانی

إِلَهِي وَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي سِرَّةِ السَّهْوِ عَنَّا وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ

خدای من، من عمرم را در غرور غفلت از تو، نابود کردم؛ و جوانی ام را در مستی دوری گزیدن از تو

فرسوده ساختم

إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَرُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ

خداوندا، من هنوز هم در روزگار خواب غفلت از تو، و میل به مسیر مورد غضبَت به سر می برم و بیدار

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ

پروردگارا، من بنده تو و فرزند بنده توام، در پیشگاه تو ایستاده‌ام؛ و لطف و کرم تو را وسیله خود به

درگاهت قرارداده‌ام

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَّصَلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوْجِهَكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظَرِكَ

معبودا، من بنده‌ای هستم که به عذرخواهی به درگاهت آمده‌ام؛ عذرخواهی از گناهان زشتی که به واسطه

بی‌حیایی در حضورت مرتکب شده‌ام

وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ

و از تو عفو و بخشش می‌طلبم؛ زیرا بخشش، توصیف‌کننده کرم توست!

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلُ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ بِيَرُونِ رُومَ، مَغْرَبِ آن زَمَانِ كِهْ بَرای ادْرَاكِ مَحَبَّتِ، بیدارم کنی

و چنان شوم که تو خواهی تا تو را سپاس گویم که مرا در آستان کرم خویش وارد ساختی؛ و تا شکر

وَكَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَلِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْعَفْلَةِ عَنْكَ

گویم، که قلبم را از پلیدی‌های غفلت از خودت، پاک گردانیدی

إِلَهِي أَنْظِرْ إِلَيَّ نَظَرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ

خداوندا، مرا مانند بنده‌ای بنگر که چون او را خواندی اجابت نمود؛ و چون از او به‌همراه یاری خود،

طاعت طلبیدی، اطاعت و ورزید

يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَيَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ

ای نزدیکی که از فریفتگان احسانش دور نیست! و ای سخاوتمندی که از امیدواران به ثوابش بخل

نمی‌ورزد!

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدِينُهُ مِنْكَ شَوْقُهُ وَلسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ

الهی، دلی به من عطا کن، که اشتیاقش او را به تو نزدیک نماید، و زبانی به من عنایت کن، که

راستگویی‌اش به‌سوی تو بالا رود

وَنَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

و نگاهی که حق بودنش، آن را به تو نزدیک سازد

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرَ مَجْهُولٍ وَمَنْ لَادَ بِكَ غَيْرَ مَخْذُولٍ وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرَ مَمْلُوكٍ

خدای من، هر که به تو شناخته شود، مجهول و بی‌نام نیست؛ و آنکه به تو پناه برد، بی‌بارویاور نیست؛ و

هر که تو به او توجه کنی، بنده دیگران نیست

إِلَهِي إِنَّ مَنْ أَنْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ وَإِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَقَدْ لُدْتُ بِكَ يَا إِلَهِي

پروردگارم، آنکه به سبب تو راه خویش را یافت، راهش روشن است و هر آن کس به تو پناه جست، پناه

یافت. و من به درگاه تو پناه بسته‌ام، ای خدای من!

فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

پس خوش گمانی‌ام به رحمتت را ناامید مکن؛ و مرا از پرتوی رأفت و مهربانی خویش محروم منما

إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَوَلَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ

پروردگارا، مرا در میان اولیای خود، در جایگاه کسانی قرار ده که به زیادی محبتت امید دارند

إِلَهِي وَالْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَهَمَّتِي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَانِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ

خدایا، و با ذکر خودت، شیفتگی و اشتیاق نسبت به یادت را به من الهام کن؛ و همتم را به کامیابی از

نسیم نام‌های نیکوی خود، و جایگاه قدس و پاکی‌ات نائل ساز

إِلَهِي بِكَ عَلَيْنِكَ إِلَّا الْحَقَّتِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَالْمُتَوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

الهی، به حق خودت، مرا به جایگاه اهل طاعتت برسان، و به منزلگاه شایسته رضایت خویش نائل گردان

فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعاً وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعاً

زیرا که من نه قدرت دارم شرمی را از خویش دور سازم و نه می‌توانم نفعی را برای خود جلب نمایم

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنُوبُ وَمَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ

الهی، من بنده ضعیف و گناهکار توام و بنده تو هستم که به انابه به پیشگاهت آمده‌ام

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ

پس مرا جزو کسانی که از آنان روی خود را برگرداندی قرار مده؛ و [مرا از کسانی قرار مده که] به سبب

غفلت، از عفو تو در حجاب‌اند

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ

بار خداوندا، نهایت رها شدن [از غیر تو و انصراف] به سوی خودت را به من عطا کن و چشمان دلمان

را به نور نظر به خودت نورانی فرما تا آنجا که چشمان دل‌هایمان، حجاب

حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ

های نور را بشکافد، سپس به منبع عظمت تو واصل گردد، و ارواح ما در حریم بهاء و قدس تو به پرواز

درآید

إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَلَا حَظَّتَهُ فَصَبَقَ لَجَلَالِكَ

خداوندا، مرا از آنان قرار ده که آنان را [به سوی خود] خواندی، پس تو را اجابت نمودند؛ و با

گوشه‌چشمی به آنان نظر کردی، پس در مقابل جلال‌ت، مدهوش گشتند

فَنَاجَيْتُهُ سِرّاً وَعَمِلَ لَكَ جَهراً

سپس با آنان در سویدای دلشان به‌راز سخن گفتمی، و آنان برای تو آشکارا عمل نمودند

إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي فُتُوطَ الْأَيَّاسِ وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

معبودا، من ناامیدی را بر حسن ظنم به تو، غلبه نداده‌ام؛ و امیدم از بخشش زیبایت قطع نشده‌است

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

خداوندا، اگر خطاهایم مرا از چشم تو انداخته است؛ پس به‌خاطر حسن اعتمادم به تو، مرا ببخش!

إِلَهِي إِنْ حَطَّنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْنِي الْيَقِينُ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

خدای من، چنانچه گناهان مرا از شایستگی عنایت‌های لطف‌های ساقط کرده، اما یقینم مرا به‌سوی بزرگی عطا فرموده است

إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي الْعَفْلَةَ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ أَلَانِكَ

پروردگار من، و اگر غفلتم مرا از آمادگی دیدار تو به خواب افکنده، اما آگاهی من از نعمت‌های

کریمانهات مرا بیدار نموده است

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمٍ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلٍ ثَوَابِكَ

خداوندا، و چنانچه کیفر عظیم تو، مرا به‌سوی آتش می‌خواند، اما پاداش فراوانت، مرا به‌سوی بهشت

فراخوانده است

إِلَهِي فَلَنْ أَسْأَلَكَ وَ إِلَيْكَ أَبْتَهِلُ وَأَرْعَبُ

پس ای معبود من، من فقط از تو درخواست می‌کنم، و فقط به درگاه تو با ناله و زاری و شوق، تضرع

می‌ورزم

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ

و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از آنان قرار دهی که همواره به یاد تو

هستند

وَلَا يَنْفُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ

و پیمان تو را نمی‌شکنند و از شکر تو غافل نمی‌شوند و امر تو را سبک نمی‌شمارند

إِلَهِي وَالْحَقِّي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَنَّ لَكَ عَارِفًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

خداوندا، و مرا به نور عزتت که بهجت‌انگیزتر از هر چیز است ملحق فرما تا آنکه تو را بشناسم و از غیر

تو روی گردان شوم، و پیوسته از تو در خوف و مراقبت باشم

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای دارای جلال و بزرگی، و ای صاحب کرامت و لطف

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

و درود خدا بر فرستاده‌اش محمد و خاندان مطهرش باد، و سلام بسیار و خاص حق بر ایشان باد.